



تبیین موقف صراط بر اساس مبانی فلسفی ملاصدرا

مرتضی حسین زاده^۱، نیره قربانی^۲

چکیده: یکی از مباحث مهم کلامی، معاد جسمانی و مواقف بعد از قیامت است. یکی از مواقف قیامت، موقف صراط است. تبیین های متفاوتی از مواقف قیامت در بین متکلمان وجود دارد. موقف صراط موقفی است که در قیامت همه انسان‌ها باید از آن عبور کرده تا به بهشت برسند. متکلمان اسلامی با مبانی خاص خود به تبیین این موقف پرداخته و برخی آن را مانند پل‌های دنیایی تفسیر کرده و معتقدند بر روی جهنم پلی کشیده شده است که از شمشیر برنده‌تر و از مو نازک‌تر است. ملاصدرا با اعتقاد به معاد جسمانی-روحانی به کمک مبانی فلسفی خود به تبیین موقف صراط پرداخته است. از نظر او صراطی که نفس در زندگی پس از مرگ با آن رو به رو می‌شود چیزی غیر از زندگی دنیوی او نیست و صراط اخروی نمودی از صراط دنیوی نفس می‌باشد. از نظر ملاصدرا صراط به صراط تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود که صراط تکوینی شامل حرکت جوهری تمام موجودات طبیعی، نباتی و حیوانی می‌گردد، اما صراط تشریحی مختص انسان است. این صراط نیازمند دو بال نظر و عمل است و با وجود هر دوی آنها تکامل می‌یابد و کمال انسان نیز در گرو به کار بردن این دو بال خواهد بود.

واژگان کلیدی: صراط، معاد جسمانی، ملاصدرا، متکلمان.

* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۴

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲

۱. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، mhoseinzadeh@znu.ac.ir

۲. دانش آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، موسسه آموزش عالی نورالزها (س)

مقدمه

در خصوص موضوع صراط پژوهش‌هایی صورت گرفته که از جمله آنها می‌توان به مقاله «دیدگاه تفسیری صدرالمتألهین در مورد صراط و صراط مستقیم در قرآن کریم»^۱ اشاره کرد که در این مقاله مفهوم صراط و صراط مستقیم بررسی شده است. حاصل این پژوهش آن است که صراط از دیدگاه ملاصدرا به دو صراط تکوینی و تشریحی تقسیم شده است و انسان برای رسیدن به سعادت باید از مسیر صراط تشریحی که همان صراط مستقیم است، عبور کند.

پژوهش دیگری تحت عنوان «حقیقت فلسفی صراط و اثبات واحدیت آن از منظر صدرالمتألهین»^۲ انجام شده است. در این پژوهش مفهوم صراط در دنیا سیر الی الله بیان شده است که این سیر با تبعیت از مصادیق صراط انجام می‌شود و آن مصادیق عبارتند از: «قرآن، دین، پیامبر و ائمه معصومین (ع)».

از طرفی در این تحقیق وحدت صراط با سه دلیل وحدت سیاق حکمت خداوند در تکوین و تشریح، تلازم بین واحدیت رب و واحدیت صراط، سنخیت صراط با علم و حق ثابت شده است.

پژوهش سوم با عنوان «صراط در نظام

موضوع قیامت و مواقف آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است، چرا که این مضامین در آیات و روایات متعدد به کار برده شده است و قرآن نیز یکی از منابع مهم مسلمانان در جهت رسیدن به سعادت می‌باشد، لذا بررسی دقیق این مساله و کیفیت عبور از این مواقف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از این مواقف که اندیشمندان با عقاید مختلف به آن پرداخته اند، موقف صراط است. با توجه به آنچه در روایات آمده، هر شخصی که باور به معاد، قیامت و وقایع آن دارد، طالب گذر سریع و راحت از صراط می‌باشد.

صدر المتألهین به عنوان یکی از اندیشمندان شاخص در بحث معاد شناخته شده است که با توجه به مبانی خاص خود در رابطه با معاد جسمانی، به بررسی مواقف قیامت از جمله صراط پرداخته است. ایشان همواره سعی داشته در بیان مطالب از عقل و نقل بهره ببرد. به همین دلیل مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. سجاد میرزایی، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۴، سال ۱۳۹۵.

۱. سجاد میرزایی، رضا حاجی ابراهیم، مجله مطالعات تفسیری، شماره ۳۹، سال ۱۳۹۸.

واضح و وسیع می‌باشد (مصطفوی، همان: ۲۲۸ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۳ و قرشی، ۱۴۱۲ق/۴: ۱۲۳۰).

ب) صراط در اصطلاح

طبق آیات قرآن و روایات معنای صراط در اصطلاح راهی است که انسان را به مقصدش برساند. به عبارت دیگر هر چیزی که انسان را راهنمایی کند و موجب رسیدن انسان به کمال شود صراط است. در حقیقت صراط همان راهی است که خداوند به بندگانش نشان می‌دهد تا آنها را به سعادت برساند. لذا این واژه در اصطلاح به تمام راه‌ها اطلاق نشده و تنها منحصر به راهی است که به کمال برسد. صراط در معنای خاص به یکی از مواقف قیامت اطلاق شده است. در روایات آمده است که تمام انسان‌ها از صراط عبور خواهند کرد و همچنین ویژگی‌های صراط بیان شده است، اما در قرآن بطور صریح به موقف صراط اشاره نشده است. مفسران آیات «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» و «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (سوره مریم، آیات ۷۱-۷۲) را ناظر بر موقف صراط اخروی می‌دانند.

حقیقت صراط از جمله مباحث مهمی است که هریک از اندیشمندان مسلمان با

حکمت صدرايي^۱ است که در این پژوهش نیز ویژگی‌های صراط از دیدگاه ملاصدرا و رابطه صراط با انمه و اولیای الهی و همچنین معیار سعه و ضیق صراط و در نهایت ارتباط صراط اخروی و دنیوی بیان شده است.

اما آنچه در این تحقیق متمایز از سایر پژوهش‌ها می‌باشد، بررسی موقف صراط با توجه به اصول معاد جسمانی ملاصدرا است. لذا برای حصول مطالب مد نظر ابتدا باید معنای صراط از لحاظ لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرد.

۱. معنانشناسی صراط

الف) صراط در لغت

در کتاب‌های لغت دو ریشه برای واژه صراط مطرح شده است. برخی معتقدند ریشه‌ی این واژه "سرط" می‌باشد که به معنای بلعیدن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸/۶: ۲۲۷) وجه تسمیه صراط به معنای راه روشن این است که رهگذر هنگام طی کردن راه گویی راه را می‌بلعد (طبرسی، ۱۴۱۵ق/۱: ۶۵). ابن منظور معتقد است که سه واژه‌ی "صراط"، "صراط" و "زراط" به یک معنا بوده و با هم مترادف‌اند و همگی به معنای "طریق" اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق/۷: ۳۴۰).

گروه دیگری این واژه را از ریشه «سرط» نمی‌دانند و در نتیجه معنای آن همان طریق

۱. علی‌رضا اسعدی، خردنامه شماره ۹۳، سال ۱۳۹۷.

«صراط، طریق حق و دین توحید است که جمیع انبیا و رسل (ع) و پیروان آنها و سالکین در سیر الی الله و فی الله به آن رجوع کرده اند.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۹۰)

بدون شک میان دو صراط دنیوی و اخروی ارتباط برقرار است زیرا چنانچه می‌دانیم دنیا مزرعه آخرت است و تمام اعمال و نیات انسان در دنیا، احوالات انسان در قیامت را رقم خواهد زد.

صراط همان راهی است که هر یک از مومنان و کافران در دنیا آن را اختیار کرده اند. راهی که فرد مؤمن آن را انتخاب می‌کند او را به جنت می‌رساند و راهی که فرد کافر آن را طی می‌کند او را به دوزخ می‌رساند. (سیحانی، ۱۴۲۱ق/ ۸: ۲۷۴) لذا صراط در آخرت، مسیری غیر از صراط دنیوی نیست. تعلق انسان به دنیا همان گذر از دوزخ در آخرت است که هرچه تعلق به آن بیشتر باشد زمان تعلل در دوزخ نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین صراط انسان‌ها در آخرت همان راهی است که در نشئه‌ی دنیا در آن قدم گذاشته و آن را طی کرده است و در روایات آمده است که برخی مانند برق و برخی همچون اسب تیزرو از صراط عبور خواهند کرد. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق/ ۸: ۱۴)

شیخ صدوق معتقد است، تنها کسی که

مبانی فلسفی و کلامی خود تبیینی متفاوت از آن ارائه کرده اند.

صراط در آیات و روایات دو نوع است؛ صراط دنیوی و صراط اخروی. صراط دنیوی، راه و طریقی است که موجودات در این دنیا از آن عبور می‌کنند و صراط اخروی نیز مربوط به سرای آخرت می‌باشد.

صراط دنیوی نیز به دو نوع تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود. بیان شد که صراط به معنای راهی است که به خیر و نیکی منتهی شود. طبق این تعریف برای تمام موجودات امکانی، کمالی وجود دارد و برای هر کدام از آنها راهی وجود دارد که با عبور از آن بتوانند به کمال خود برسند و این طریق بین جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها تفاوتی ندارد. (مکی‌العاملی، ۱۴۱۳ق/ ۴: ۲۶۷) این صراط، «صراط تکوینی» است.

خداوند برای انسان به عنوان اشرف مخلوقات قوانین و احکامی را وضع نموده تا بصورت خاص هدایت شوند که آن «صراط تشریحی» نامیده می‌شود.

خداوند در آیاتی از قرآن به صراط تشریحی اشاره نموده است. مانند آیه ۳ سوره دهر که می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

ملاصدرا نیز در این باره می‌فرماید:

رسیدن به بهشت مقید به انجام شرایع آسمانی با تمام صعوبت آن در دنیا است. با توجه به این مسئله رسیدن به دوزخ نیز نتیجه پیروی از امیال و غرایز حیوانی به صورت افراطی است. لذا صراط اخروی، با همان دو ویژگی بیان شده تمثیلی از صراط دنیوی است.

۲. دیدگاه متکلمان

الف) اشاعره

اشاعره ظاهر لیات و روایات مرتبط با موقف صراط را اخذ کرده و بدون هیچ تاویلی معتقدند صراط پلی است که بر روی دوزخ کشیده شده است و تمام انسان ها اعم از مؤمن و غیرمؤمن از آن عبور خواهند کرد (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۷؛ ایجی، ۱۴۲۵ق/۸: ۳۲۰). آنان در بیان ویژگی صراط آن را باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر می دانند که مومنان از آن عبور کرده و غیر مومنان به داخل دوزخ سقوط خواهند کرد. البته افرادی نیز به خاطر لطف و رحمت الهی توان عبور از آن را خواهند داشت.

ب) معتزله

معتزله ایمان به وجود صراط در آخرت را با توجه به آیات قرآن لازم می دانند. البته برخی از اشاعره انکار صراط را به معتزله نسبت داده و دلیل این انکار را عذاب بودن عبور انسان از پلی با ویژگی برنده تر از شمشیر و باریک تر از مو بودن بیان کرده اند (تفتازانی،

حجت های خدا در دنیا را شناخته باشد و از خدا اطاعت کرده باشد مجاز است از صراط که پلی روی جهنم است، عبور کند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق/۱: ۷۰)

آنچه در این ارتباط واضح و روشن است این است که اگر کسی از صراط دنیوی با هدایت نبی عبور کند، از صراط اخروی نیز با همان هدایت عبور کرده و به جنت خواهد رسید.

در روایات گوناگون دو ویژگی برای صراط مطرح شده است که یکی تیزتر از شمشیر و دیگری باریک تر از مو است.

این دو ویژگی در ارتباط صراط دنیوی و اخروی چنین تاویل شده است؛ زمانی که انسان، با اعتقاد به خداوند و روز قیامت شروع به انجام وظایفی می کند که خداوند از او خواسته است، در واقع او مشغول انجام کاری دشوار است. از این رو می توان آن را تشبیه به راهی کرد که باریک تر از مو و تیزتر از شمشیر است. پس رستگارتترین مردم کسی است که قدم هایی را سخ همراه با عقیده و ایمان داشته باشد و نه تنها در عقیده، بلکه در مقام عمل نیز ثابت قدم باشد. واضح است که انجام چنین کاری با این وصف در رسیدن به چنین سعادت امری سهل و آسان نیست. (سبحانی، ۱۴۱۳ق/۴: ۲۷۰)

بنابراین گذر از صراط در آخرت و

ج) امامیه

از نظر متکلمان امامیه اعتقاد به موقف صراط از ضروریات دین است. برخی از متکلمان صرفاً به بیان اصل اعتقاد به صراط پرداخته و در مورد کیفیت آن بحثی مطرح نکرده اند (فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۴۲۶؛ طوسی، ۱۴۰۶، ۲۲۲؛ فاضل مقداد ۱۴۲۲، ۴۲۶). برخی دیگر بعد از اشاره به وجوب اعتقاد به صراط، به بیان دو دیدگاه در مورد صراط می پردازد: دیدگاه اول که آن را صراط واحد می داند که به بهشت منتهی می شود و اگر کسی نتواند عبور کند وارد جهنم می گردد؛ دیدگاه دوم دو صراط را می پذیرد که یکی به سوی بهشت و دیگری به سوی جهنم است (حلی، ۱۴۱۳، ۴۲۵). برخی نیز صراط را پلی مانند پل های دنیوی می دانند و تاویات سایر متکلمان در مورد آن را نمی پذیرند (حمصی رازی، ۱۴۱۲، ۲۰۳). برخی از متکلمان امامیه بر این باورند که وقایع معاد و مواقف آن از جمله صراط منطبق با اعمال انسان در دنیا می باشد و کسی که سیر در عبادات داشته، سیر حقیقی در صراط حقیقی خواهد داشت و اگر با عبادات مخالفت کند قدم هایش در صراط حقیقی دچار لغزش خواهد شد. (طباطبایی، بیتا/ ۱: ۶۶)

شکی نیست که ارتباطی میان صراط

۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۷). قاضی عبدالجبار ضمن رد دیدگاه حشویه که معتقدند صراط پلی است که باریک تر از مو و برنده تر از شمشیر است و همه مکلفان باید از آن عبور کنند، تحقق آن را امکان پذیر نمی داند. از نظر او عالم آخرت محل تکلیف نیست تا مکلف کردن انسان ها به گذر از صراط امکان پذیر باشد (عبدالجبار، ۱۴۲۲ق: ۴۹۸). بیشتر متکلمان معتزلی صراط را تاویل برده و به معنای ادله شرعی (انجام طاعات و اجتناب از معاصی) در نظر گرفته اند که با انجام آنها انسان به بهشت می رسد و با بی توجهی به آن جهنم را در پی خواهد داشت. قاضی عبدالجبار معتزلی این تفسیر متکلمان را نیز نمی پذیرد و معتقد است تا جایی که امکان پذیر است نباید کلام الهی را از حقیقت آن خارج کرده و تاویل برد. او در ادامه با ذکر این نکته که قیامت و امور مربوط به آن چیزی نیست که بتوان به آن به صورت کامل پرداخته و تمیینی روشن ارائه کرد (عبدالجبار، ۱۴۲۲ق: ۴۹۹). به نظر می رسد قاضی عبدالجبار در موقف صراط مانند مواقف دیگر و امور مربوط به قیامت به راحتی دست به تاویل نمی زند و آن را به معنای حقیقی در نظر می گیرد اما کیفیت آن را بیان نکرده و مسکوت گذاشته است.

دنیوی و اخروی وجود دارد، لذا صراط اخروی برای پیروان شیطان و سالکان به هدایت او باریک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر است. اگر کسی بگوید صراط اخروی تمثیل و تجسد صراط دنیوی است، گزاف نگفته است. (سبحانی، بی‌تا/۴: ۲۷۰)

عبدالرزاق لاهیجی بر این باور است که صراط ملکه‌ی عدالت است و حد وسطی است میان افراط و تفریط. ایشان معتقد است که صراط در قیامت هیچ مناسبتی با نازکی مو و تیزی شمشیر ندارد، بلکه دقت و باریکی تعبیر دیگری دارند؛ صراط مستقیم عبارت است از حد وسط حقیقی بین اخلاق متضاد، مانند سخاوت متعادل، بین اسراف و بخل و مانند شجاعت، بین بی‌باکی و ترس. در نتیجه اخلاق هم در طرف افراط و هم در طرف تفریط مذموم است. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خیر الامور اوسطها» و نیز در سوره حمد از خدا می‌خواهیم ما را در راه راست و مستقیم قرار دهد زیرا صراط المستقیم همان حد وسط بین طرفین افراط و تفریط است و افرادی که چنین عمل کنند چنانکه در احادیث آمده مانند برق خاطف از اصراط عبور خواهد کرد. (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۶۶۰)

تاویل دیگری از متکلمان امامیه نیز طبق تفسیر آیات ۷۱ و ۷۲ سوره مریم وجود دارد.

در سوره مریم خداوند می‌فرماید:

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَيَّ رِبْكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» مرجع ضمیر "واردها" در این آیات همان جهنم است که در آیه‌ی قبل آمده است و طبق آن مردم باید وارد جهنم شوند به همین دلیل در اینجا دو تفسیر و دو دیدگاه مطرح است؛ یکی اینکه مراد از "واردها" ورود و دخول است و دیگری اینکه مراد از آن اشراف و اقتراب است. در صورتی که مراد از واردها ورود و دخول باشد، تمام افراد اعم از مؤمنان و کافران داخل آتش می‌شوند سپس خداوند مومنین را نجات داده و کافران در آن‌ها می‌شوند. اما اگر "واردها" طبق وجه دوم یعنی اشراف و اقتراب تبیین شود، اینگونه نخواهد بود و فقط کفار به داخل آتش می‌روند. طبق آیات دیگر قرآن هر دو وجه را می‌توان قبول کرد.

در آیه‌ی ۲۳ سوره قصص خداوند می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَ أَتُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» در این آیه مشخص است که موسی (ع) پا روی آب نگذاشت بلکه به آن نزدیک شد. طبق این آیه می‌توان گفت که "واردها" به معنی اشراف و اقتراب است، نه ورود و دخول. اما در برخی

دو بخش تقسیم می‌شود:

الف- قسمتی که تنها از طریق شرع و ایمان به پیامبر (ص) معین می‌گردد و نمی‌توان از طریق عقل به آن رسید. شرایط بدن، برانگیخته شدن، خیرات و شرور بدن است که از شریعت پیامبر به ما رسیده است.

ب- قسم دوم بخشی است که با عقل و قیاس برهانی قابل درک است و پیامبر (ص) آن را تصدیق نموده است و آن سعادت و شقاوت نفس است، اگرچه در اینجا نیز اوهام ما قاصر از تصور آنهاست (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۴۲۳).

لذا از دیدگاه ابن سینا مواقف قیامت از جمله صراط تنها با رجوع به آیات و روایات قابل قبول است و عقل از اثبات آن قاصر است.

شیخ اشراق معاد جسمانی را چنین تبیین می‌کند که انسان‌ها پس از مرگ در عالم مثال به شکل صور مثالی و معلقه محشور می‌شوند و اشباح ربانی و مواعید انبیاء نیز به این صورت ظاهر خواهند شد. بنابراین بدن مثالی که نفس در آن تصرف می‌کند حکم همان بدن حسی را دارد که تمام حواس ظاهری و باطنی در آن جمع است و مدرک در آن نفس ناطقه می‌باشد. (سهروردی، ۱۳۸۴: ۴۹۴)

شیخ اشراق لذات و آلام نفوس را در

از آیات «ورود» همان معنای داخل شدن را دارد. بنابراین اگر ظاهر آیه را در نظر بگیریم چاره‌ای نداریم جز اینکه وجه اول یعنی ورود را قبول کنیم. (مفاهیم القرآن/ ۸: ۲۷۴) بنا بر هر دو فرض می‌توان گفت صراط همان طریقی است که به وسیله‌ی آن مؤمن به بهشت و کافر به آتش می‌رود.

اما علامه طباطبایی معتقد است که این آیات به تنهایی و بطور مستقیم اشاره‌ای به صراط ندارند، بلکه با قرینه روایات می‌توان از این آیه به موضوع صراط رسید (طباطبایی، ۱۳۷۸/ ۱۴: ۹۱).

۲. دیدگاه فلاسفه

گروهی از فلاسفه تنها به معاد روحانی معتقدند؛ از دیدگاه این افراد مواقف قیامت از جمله صراط را نمی‌توان بصورت جسمانی بیان کرد، لذا ایشان مواقف قیامت را بصورت مجزا مورد بررسی قرار نداده‌اند.

گروه دیگری از فلاسفه که قائل به معاد جسمانی هستند، در تلاشند که از عقل و نقل در یک راستا برای بیان جزئیات معاد و قیامت بهره ببرند. لذا افرادی مانند ملاصدرا با توجه به این اصل، یعنی جسمانی بودن معاد، تمام وقایع قیامت و مواقف آن را بطور مجزا با اصول عقلی خود اثبات می‌کند.

ابن سینا معتقد است که بحث معاد به

بسیار سخت بوده و هر لحظه امکان سقوط در دوزخ را خواهد داشت.

۴. اصول کاربردی در صراط

با توجه به آیات و روایات وجود موقفی به نام صراط و عبور از آن در قیامت امری قطعی است. اما به دلیل وجود روایات گوناگون در نحوه‌ی برقراری این موقف اختلاف زیادی میان اندیشمندان در کیفیت آن وجود دارد. ملاصدرا نیز به عنوان یکی از مفسران و اندیشمندان تلاش کرده است تا با توجه به آیات و روایات بر اساس مبانی و اصول خاص خود این موقف را تعیین عقلی نماید. برای تبیین فلسفی موقف صراط اشاره به برخی از اصول فلسفی ملاصدرا و نقش هر اصل در تبیین آن ضروری است.

الف) تشخیص وجود

وجود دارای ویژگی‌های متعددی است که یکی از آنها تشخیص آن است، تشخیص در وجود سبب می‌شود که وجودهای مختلف مغایر یکدیگر باشند. ملاصدرا در تعریف تشخیص می‌فرماید: «تشخیص هر چیز و آنچه که به وسیله آن از چیز دیگر متمایز می‌شود، وجود خاص آن شئی است.» (صدرالدین شیرازی، همان: ۱۸۵)

وجود هر نفس موجب تشخیص و تمایز آن از سایر وجودها می‌گردد و با تمام تغییراتی که در انسان صورت می‌گیرد نفس و وجود آن

عالم مثال بیان می‌کند، اما ملاصدرا این وقایع را مربوط به عالم آخرت می‌داند. در آثار شیخ اشراق، هیچ تبیین فلسفی در رابطه با موقف صراط یافت نشد.

۳. دیدگاه ملاصدرا

صراط از نگاه ملاصدرا به معنای مسیری است که انسان در طول زندگی دنیوی خود آن را طی کرده و صراط در آخرت نیز تجسم صراط دنیوی می‌باشد. لذا صراط اخروی همان ملکاتی است که نفس با اعمال و عقایدش در دنیا به دست آورده است و چگونگی عبور از آن وابسته به چگونگی زندگی انسان در دنیا می‌باشد. در صورتی که نفس به تکامل خود از مسیر مستقیم و با نور ایمان و یقین پرداخته باشد، صراط اخروی او نیز روشن و گسترده است و هر چه ایمان و یقین وی بیشتر باشد، صراط اخروی او نیز روشن تر و گسترده تر خواهد بود. این فراخی و روشنی موجب می‌شود که عبور از آن سریعتر و آسانتر باشد و هر چه نور یقین و ایمان انسان در دنیا کمتر باشد و انحراف از مسیر مستقیم داشته باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱/م: ۹: ۲۸۴). به تعبیر دیگر تعادل بین سه قوه به طور کامل برقرار نمی‌شود و صراط اخروی نیز تنگ تر و تاریک تر گشته و عبور از آن مشکل خواهد بود. حتی ممکن است این مسیر برای او به باریکی یک تار مو باشد که لذا عبور از آن

تغییر نمی‌یابد.

ملاصدرا بر این باور است که موضوع عود همان وجود خاص شیء است و زمانی که تشخیص وجود داشته باشد هویت در معاد حفظ می‌شود. در موقف صراط نیز همان وجود خاص نفس که در نیا به تحصیل ملکات پرداخته حاضر خواهد شد و از صراطی که مختص وی است عبور خواهد کرد. زیرا این صراط به تبع اعمال و رفتار وی ایجاد شده است، چنانچه هر کس صراط را ببیند می‌داند که صراط خودش است.

همانطور که در تعریف صراط گذشت هر نفسی به اندازه نور یقین و ایمان خود از صراط عبور خواهد کرد لذا گذر از این موقف منحصر در اعمال وی است بنابراین مختص او خواهد بود.

این اصل از اصول بعید در این موقف می‌باشد که با واسطه‌ی اصول دیگری که در ادامه بیان می‌شود از مبانی موقف صراط قرار می‌گیرد.

ب) تشکیک در وجود

طبق این اصل، وجود در حالی که بسیط است قابلیت شدت و ضعف دارد. پس وجود هم بسیط است و هم کثیر. اما کثیر به معنای وجود ترکیب خارجی یا ذهنی در وجود نیست. (صدرالدین شیرازی، همان: ۱۸۶)

بنابراین یکی از ویژگی‌های وجود مشکک بودن آن است. نفس در عین حال که دارای یک حقیقت عینی است مراتب مختلفی از شدت و ضعف را دارد. نفس با کمالاتی که در دنیا کسب می‌کند شدت و ضعف وجودی اش را معین می‌کند.

نفس با توجه مرتبه‌ی وجودی و شدت و ضعف آن با موقف صراط مواجه خواهد شد. وی با توجه به نور ایمان و یقینی که حاصل کرده و اعمالی که طبق آن عقاید انجام داده است صراطی متناسب با وجودش را خواهد داشت. لذا نفس بنابر وجود تشکیکی خود صراطی تشکیکی نیز دارد؛ طبق این تعبیر نفسی که در دنیا با ایمان و یقین به اصلاح عقل عملی و نظری خود پردازد، گذری سریعتر و آسانتر از فردی دارد که در دنیا هیچ تلاشی برای اصلاح این عقول نداشته است.

بنابراین وجودی که شدت بالاتری دارد صراط نورانی تر و فراخ تری خواهد داشت و صراط وجودی که ضعیف است به مراتب تاریکتر و تنگ تر از وجودی است که از شدت بالاتری برخوردار است.

ج) حرکت جوهری و استکمال نفس

یکی از مهمترین ویژگی‌های نفس حرکت جوهری آن است (همو، ۱۹۸۱/۳: ۱۰۲). که طی این حرکت نفس تکامل می‌یابد و پیشتر

بیان شد که تکامل نفس؛ همواره در جهت اعلی و رسیدن به حق تعالی نخواهد بود.

ملاصدرا بر این باور است که صراط همان مسیری است که نفس برای رسیدن به عالم اعلی و رسیدن به ملکوت طی می‌کند. بنابراین موقف صراط طبق این ویژگی مهم که در نفس وجود دارد ایجاد خواهد شد. پس صراط در واقع همان حرکت ارادی نفس به سوی خداوند است که منجر به استکمال وی در مسیر حق تعالی خواهد بود. زیرا زمانی که نفس به سوی خداوند حرکت کند، در حقیقت براساس پرورش دو بعد عمل و علم حرکت کرده و این همان اصلاح عقل عملی و نظری خواهد بود که موجب استکمال نفس در جهت خداوند می‌گردد.

آنچه در این جا مهم است توجه به این مسئله است که صراط دنیوی و صراط اخروی پیوندی عمیق با یکدیگر دارند و در حقیقت صراط اخروی تجسم صراط دنیوی می‌باشد. (سبحانی، بیتا/ ۴: ۲۷۰)

ملاصدرا در تبیین معاد جسمانی و در بحث استکمال نفس، علاوه بر مباحث نظری به مباحث عملی نیز می‌پردازد. در حقیقت ایشان سعادت نفس را در گروه دو بال عمل و نظر می‌داند و معتقد است که هر دو قوه برای کمال نفس ضروری است.

استکمال قوه‌ی عملی منوط به حصول

ملکات در نفس است که انسان با تلاش، اراده، و اختیار این صفات راسخ در نفس را می‌سازد.

عبور از صراط نیز مانند سایر مواقف وابسته به کمال این دو قوه است. ملاصدرا معتقد است که کمال قوه‌ی عملی با تعدیل سه قوی شهوی، غضبی، و فکری به دست می‌آید و این تعدیل موجب می‌شود که نفس به سمت امور نکوهیده متمایل نشود.

د) تجرد صور ادراکی و اختراع صورتها

یکی دیگر از مهمترین اصول معاد جسمانی، تجرد صورتهای ادراکی است (همو، ۱۹۸۱/۹: ۱۹۱؛ همو، ۱۳۸۱: ۲۰). ملاصدرا تمام ادراکات از جمله ادراکات حسی، خیالی و عقلی را مجرد می‌داند، لذا در عالم آخرت تمام این ادراکات در نفس حضور خواهند داشت.

طبق دیدگاه ملاصدرا مواقف قیامت به صورت آماده وجود ندارند و هر نفسی پس از مرگ با توجه به این ادراکات و ملکات حاصله مواقف خود را ایجاد می‌کند به طوری در صورت مشاهده‌ی هر موقف می‌داند که آن موقف مختص وی می‌باشد. در موقف صراط نیز همین امر برقرار است.

به دلیل تجرد ادراکات نفس می‌تواند این صورت ها را مشاهده کند. مشاهده نیز به معنای اختراع صورتهای توسط نفس می‌باشد.

(خواجوی، ۱۴۲۲/ق/۲: ۳۰۴)

بنابراین نفس با توجه به مسیری که با کمک عمل و عقل در دنیا طی کرده، ادراکات و ملکاتی را به دست می‌آورد که در موقف صراط با ایجاد و اختراع آنها را مشاهده کرده و پس از مرگ آن را می‌شناسد.

ارتباط صورت‌های ادراکی با نفس مانند قیام فعل است به فاعل نه قیام مقبول به قابل (همو، ۱۹۸۱/۹: ۱۹۲). به همین دلیل بین نفس و صورت‌ها ارتباط علی و معلولی برقرار است. لذا هر آنچه نفس از صورت‌ها درک می‌کند نزد مدرک که نفس است حضور خواهد داشت. و این دو با یکدیگر دارای ارتباط ذاتی می‌باشند و به دلیل اینکه این صورت‌ها مجرد از ماده می‌باشند همواره همراه نفس بوده و با تلاشی بدن نیز از بین نمی‌روند. نفس با توجه به آنچه از علوم و اعمال انجام داده و با توجه به ملکاتی که کسب کرده، در موقف صراط حاضر می‌شود و به عنوان علت و فاعل صورت‌هایی که در دنیا درک کرده در نشئه‌ی آخرت شروع به ساختن آنها خواهد کرد. اگر صورت‌های ادراکی از جنس یقین و ایمان باشد، صراط وی فراخ و روشن خواهد بود و اگر از جنس کفر و ظلمت باشد صراطی باریک و تاریک را روبروی خود خواهد داشت. (خواجوی، همان: ۳۰۲) زیرا

تمام صورت‌های ادراکی نفس، همان مسیری است که در دنیا از آن عبور کرده و این صورت‌ها را کسب کرده است. و این مسیر در آخرت همان موقف صراط است که تجسم می‌یابد و نفس برای تعیین سرنوشت خود راهی جز عبور از آن را نخواهد داشت.

بنابراین با توجه به رابطه‌ی علی که بین نفس و صورت‌ها برقرار است نفس به عنوان علت و فاعل آن صراط ویژه‌ی این صورت‌ها را با ویژگی‌هایی که از صور ادراکی در نزد وی حاضر است ساخته و از آن عبور می‌کند.

ه) توانایی انسان در سیر عوالم سه گانه

ملاصدرا بر این باور است که صراط اخروی همان مسیری است که نفس در طول زندگی دنیوی خود طی می‌کند (همو، ۱۳۵۴: ۴۳۵؛ همو، ۱/۱۴۱۷: ۳۳۷). از طرفی نفس جسمانی الحدوث است که با حرکت جوهری به سمت روحانی شدن پیش می‌رود، روحانی شدن نفس همان مفارقت از ماده است و نفس همواره در حال حرکت از ماده به سوی تجرد می‌باشد.

نفس در صورتی که حد تعادل میان قوای خود را رعایت کند می‌تواند به آسانی از پل صراط عبور کند. این حد تعادل هم از جانب عقل نظری و هم از جانب عقل عملی برقرار است. لذا نفسی که دارای افراط یا تفریط در

در آخرت موجود است آثاری است که از گفتار و کردار نفس در آن ایجاد شده است و ملاصدرا برای اثبات معاد جسمانی این اصل را نیز ثابت می‌کند که این ملکات و خلقیات راسخ در نفس دارای آثار خارجی می‌باشند (همو، ۳/۱۹۸۱: ۲۷۸؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۰۸). موقف صراط در آخرت در واقع همان راهی است که نفس در دنیا طی کرده و در آخرت نیز عبور کردن یا سقوط از آن موجب رسیدن نفس به بهشت یا جهنم خواهد شد. بنابراین این صورت هدایتی همان چیزی است که نفس با ملکات حاصله در خود ایجاد و انشا کرده است.

در نتیجه اگر نفس در دنیا در مسیر مستقیم حرکت کرده باشد و ملکاتی را که برای خود ایجاد کرده باشد در آخرت نیز این ملکات دارای اثر خارجی خواهد بود و موجب فراخی و راحتی انسان در گذر از مواقف مختلف خواهد شد.

ز) تجرد قوه خیال

یکی از مهمترین اصول که ملاصدرا در بحث معاد جسمانی مطرح کرده است. اصل «تجرد قوه خیال» می‌باشد. براساس این اصل، قوه خیال جوهری است که در هیچ محلی از بدن و اعضای آن مقرر نیست. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱/م ۹: ۱۹۱) بنابراین با از بین رفتن بدن مادی از بین نمی‌رود. صورت‌های

یکی از این قوا باشد در واقع وابسته به ماده بوده و در آخرت نیز عبور از پل صراط برای او دشوار خواهد بود.

بنابراین نفس با مسیری که در طول زندگی دنیوی خود انتخاب می‌کند به سوی تجرد حرکت می‌کند که اگر این مسیر همان چیزی باشد که خدای متعال از طریق راهنمایان خود برای نفس فرستاده به سمت عالم بالاتر و به سمت تجرد حرکت خواهد کرد که نمود آن در موقف صراط عبور سهل و سریع از آن خواهد بود. اما اگر مسیری که نفس در آن حرکت می‌کند خلاف صراط مستقیم باشد به دلیل تعلقات بیشتر وی به عالم ماده سیر او به سمت عالم مجردات امکان پذیر نبوده و عبور از پل صراط سخت و دشوار خواهد بود، چرا که تعلقات به مادیات و بهای بیش از حد به قوای نفس همان آتشی است که در زیر پل قرار دارد و در حقیقت تجسم تمایل به سمت مادیات و نداشتن تعادل میان قوا در موقف صراط همان تمایل به سمت پایین پل و آتش دوزخ خواهد بود. (خواجوی، همان: ۲۹۹)

و) منشاء آثار خارجی بودن ملکات نفس

این اصل یکی از مهمترین اصول و قریب ترین اصول در تمام مواقف می‌باشد، زیرا نفس کردار و گفتار زایل شونده‌اند و نمی‌توانند منشا پاداش یا کیفر قرار گیرند. بنابراین آنچه

ادراکی قائم به نفس بوده و در حقیقت فعل نفس می‌باشند. از طرفی بیان شد که نفس خالق صورت‌های نوعیه‌ی مجرد از ماده می‌باشد و پس از مرگ و مفارقت از بدن مادی، توجه نفس به این صورت‌ها معطوف شده و آغاز به خلق آنها خواهد کرد.

ایجاد صورت‌های اخروی توسط قوه‌ی خیال در عالم آخرت مطابق با ادراکاتی است که انسان در عالم دنیا دارد. تمام ادراکات انسان لذت و آلمی دارد که نفس به دلیل اشتغال به بدن مادی از آنها غافل است. راهی که نفس در عالم دنیا در پیش گرفته و آن را طی می‌کند، همان مجموعه‌ی ادراکات و اعمال وی است که منجر به این لذات و آلام می‌گردد. در واقع اگر ادراکات خیالی در نفس شامل ایمان و یقین باشد آنچه در آخرت توسط قوه خیال ایجاد می‌شود مجموعه‌ای از لذات خواهد بود که در موقف صراط به صورت پلی گسترده و روشن که بر روی آتش جهنم کشیده شده است نمود پیدا می‌کند و نفس می‌تواند به راحتی و با سرعت از آن عبور کرده و به بهشت برسد که آن نیز ساخته قوه‌ی خیال وی می‌باشد. روشنی و گستردگی صراط در قیامت وابسته به ادراکاتی است که نفس در دنیا به دست آورده است. اگر از مسیر مستقیم منحرف شود منجر به درد و آلم خواهد شد که

نمود آن در صراط تنگی و تاریکی راهی است که قوه‌ی خیال آن را می‌سازد و انسان به سختی از آن عبور می‌کند.

در صورتی که ادراکات نفس تنها آلم باشد صراطی که توسط قوه‌ی خیال ایجاد می‌شود به مقداری ضیق و تاریک می‌گردد که عبور از آن محال شده و نفس در همان ابتدا به دوزخ سقوط کرده و هلاک می‌شود. این نیز تجسم آلامی است که نفس در مسیر دنیوی خود به دست آورده است. (خواجوی، همان: ۳۰۱)

بنابراین تمام وقایع موقف صراط تجسم صورت‌های ادراکی و لذات و آلامی است که از قوه‌ی خیال حاصل می‌شود.

نتیجه‌گیری

ملاصدرا براساس مبانی معاد جسمانی خود به تبیین و تحلیل موقف صراط پرداخته است. وی منشأ امور اخروی و وقایع آن را نفس قوه خیال آن می‌داند و معتقد است که تمام مواقف مطرح شده در قیامت دارای واقعیتی خارجی می‌باشند که نفس در دنیا به دلیل اشتغال به بدن مادی از مشاهده‌ی آنها غافل است. اما در آخرت از سویی نفس از توجه به مادیات مفارقت می‌یابد و از سوی دیگر این وقایع از لحاظ وجودی شدیدتر و قوی‌تر از عالم ماده می‌باشد بنابراین نفس می‌تواند به واسطه‌ی قوه

خیال آنها را مشاهده و اختراع نماید.

به تبع این دیدگاه ملاصدرا صراط اخروی را چیزی غیر از اعمال و ملکات نفس که در دنیا به دست آورده نمی‌داند.

ایشان صراط را به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم نموده است که صراط تکوینی همان مسیری است که تمام موجودات در حال حرکت به صورت غریزی و طبیعی در آن مسیر حرکت می‌کنند. این حرکت به صورت غیر ارادی بوده و مقتضای وجودی موجودات است.

صراط دوم: صراط تشریحی است که مختص انسان می‌باشد و همان صراط مستقیمی است که خداوند در قرآن بیان کرده است و این همان است که نمود آن آخرت نیز وجود دارد، زیرا حرکت در این صراط کاملاً ارادی بوده و نفس با تعیین مسیر خود در دنیا نحوه عبور از صراط اخروی خود را مشخص می‌کند. لذا ملاصدرا معتقد است که پل صراط تجسم و ظهور صراط در دنیا می‌باشد. ایشان مطابق با اصولی که مطرح شد به اثبات این موضوع پرداخته است.

اسرار آیات و انوار البينات، تهران، انجمن

اسلام حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۳۶۰

صدرالمدین شیرازی، محمد بن ابراهیم،
الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه
الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۱۹۸۱م

صدرالمدین شیرازی، محمد بن ابراهیم،
شواهد الربوبیه فی المناهج
السلوکیه (مقدمه فارسی)، نشر دانشگاهی،
۱۳۶۰

طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی
تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی
جامع مدرسین قم، ۱۳۷۸

طباطبایی، محمد حسین، تفسیر البیان فی
المواقفه بین الحدیث و القرآن، بیروت،
دارالتعارف للمطبوعات، بیتا، ج ۱

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی
تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو،
۱۴۱۵ق، ج ۱

عبدالجبار، قاضی، شرح اصول خمسسه،
بیروت، داراحیاء التراث عربی، ۱۴۲۲ق

علیرضا اسعدی، صراط در نظام حکمت
صدرایی، خردنامه شماره ۹۳، سال ۱۳۹۷.

علیرضا اسعدی، صراط در نظام حکمت
صدرایی، خردنامه شماره ۹۳، سال ۱۳۹۷.

غزالی، ابوحامد، الاقتصاد فی الاعتقاد،

منابع

قرآن کریم

- ابن سینا، الاضحویه فی المعاد، تهران،

انتشارات شمس تبریزی، ۱۳۸۲

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب،

بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۴، و ۱۳

- ایچی، میر سید شریف، شرح مواقف، قم،

شریف رضی، ۱۳۲۵

- حسن زاده آملی، حسن، قرآن و عرفان

وبرهان از هم جدایی ندارند، تهران، موسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰

- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، معاد

شناسی، مشهد، نورملکوت قرآن، ۱۴۲۳ق

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات فی

غریب القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق

- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم،

موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۱ق، ج ۸

- سجاد میرزایی، حقیقت فلسفی صراط و

اثبات واحدیت آن از منظر صدرالمتألهین،

اندیشه نوین دینی، شماره ۴۴، سال ۱۳۹۵.

- شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی

الاجبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق

- شیخ مفید، محمد بن محمد، تصحیح

اعتقادات امامیه، قم، للمؤتمرالعلمی،

للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق

- صدرالمدین شیرازی، محمد بن ابراهیم،

- بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام فی تجرید الکلام، اصفهان، انتشارات مهدوی، ۱۳۸۳
 - قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳، ج ۹
 - قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق، ج ۴
 - مصطفوی، حسن، التحقیق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
 - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۵
 - مکی‌العاملی، شیخ حسن محمد، الالهیات علی هدی‌الکتاب و السنه و العقل، قم، موسسه‌ی امام صادق (ع)، ۱۴۱۳ق، ج ۴
 - میرزایی سجاده، رضا حاجی ابراهیم، دیدگاه تفسیری صدرالمتألهین در مورد صراط و صراط مستقیم در قرآن کریم، مجله مطالعات تفسیری، شماره ۳۹، سال ۱۳۹۸.